

**MARVEL**

**19**

LGY#745

DONNY CATES  
NIC KLEIN  
MATT WILSON

# TORROR



**GOD  
OF  
HAMMERS**  
*Starts Here!*

N  
20  
11

**دورنام**  
dorname.ir



در ابتدا...

...تایتان ها بودند.

خدایان قدیمی تر.  
غول های باستانی.

زمستان سیاه.  
طوفان خدایان.  
پادشاه سپاهپوش.  
فینیکس.

تاریک.  
روشن.

خون.

آتش.

و اوه ...

...چقدر عصبانی بودند.

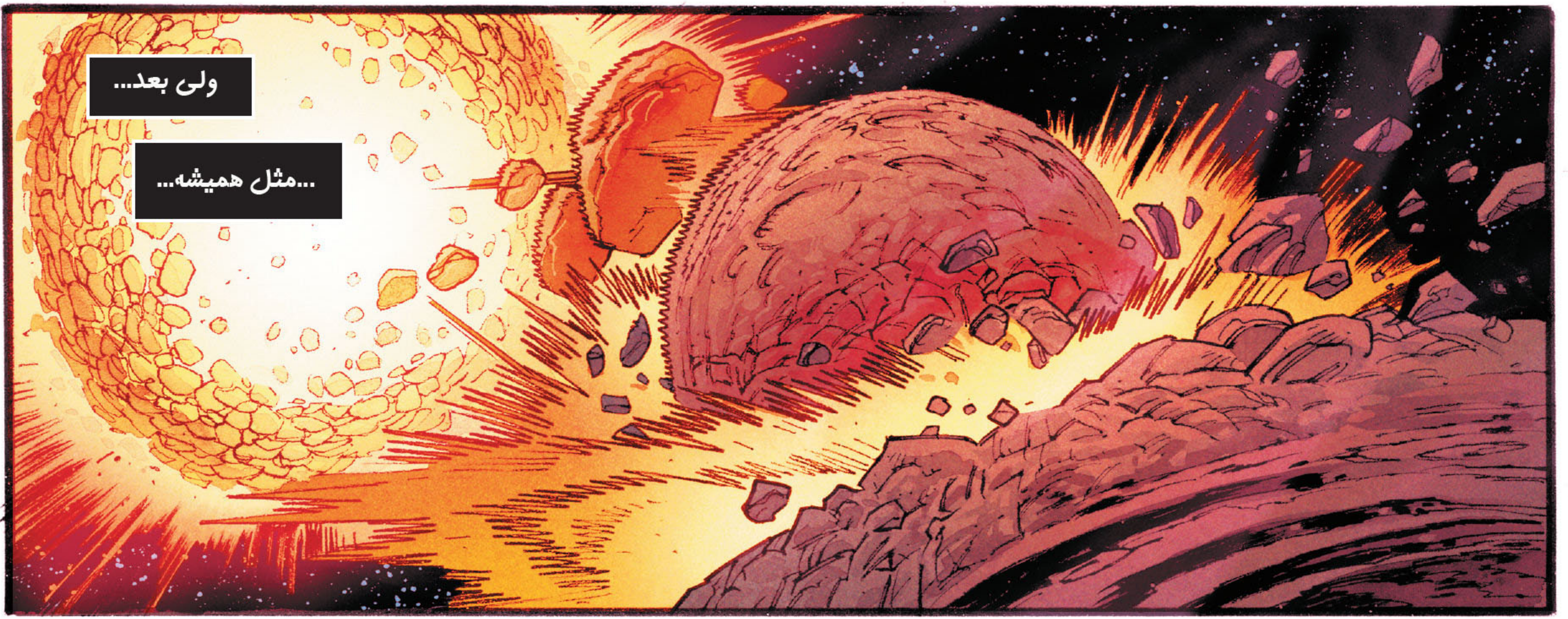
و حاصل این خشم...



... نابودی بود.







ولی بعد...

...مثل همیشه...



...چرخ عظیم کیانی  
دوباره چرخید.

چرخشی همیشگی. با  
سایشی همیشگی در جوار  
سنگ آسیاب ابدیت.



و بذره‌های آن خشم تایتان‌ها پس  
از میلیارد‌ها سال...



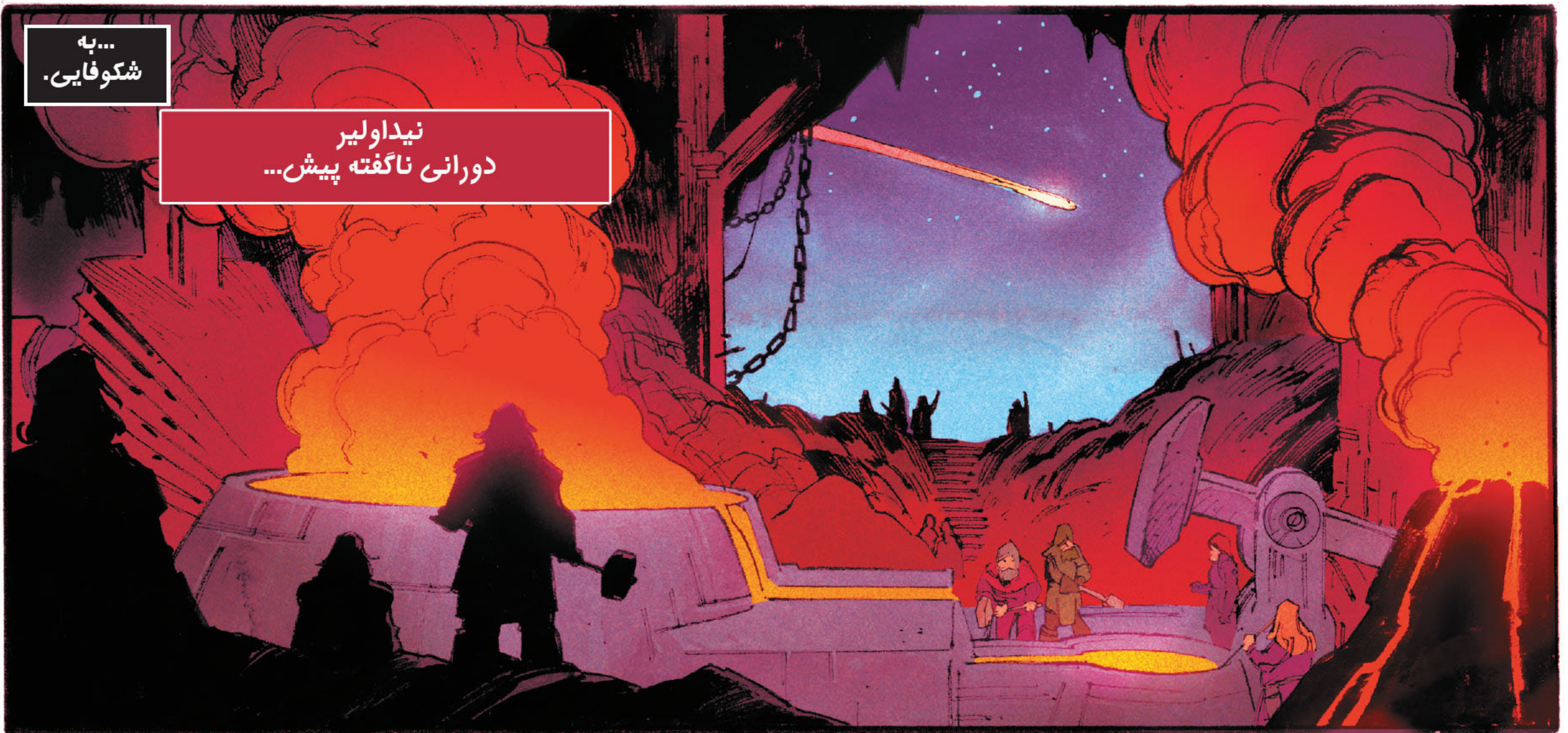
...خیلی آرام

...شروع کرد...

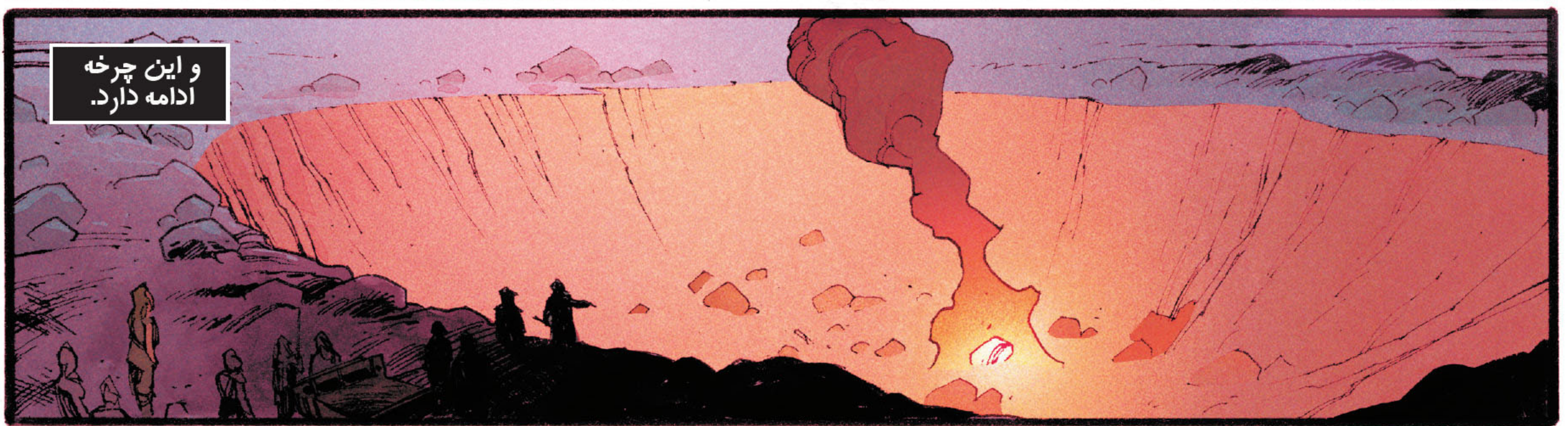


شکوفایی... به

نیداویلیر  
دورانی ناگفته پیش...



و این چرخه  
ادامه دارد.



آتش.



خدایان.

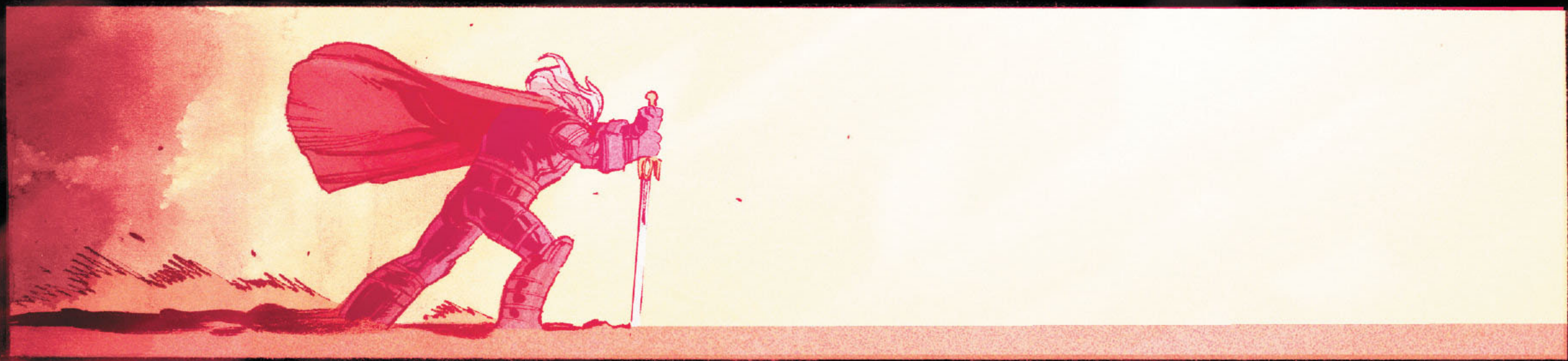
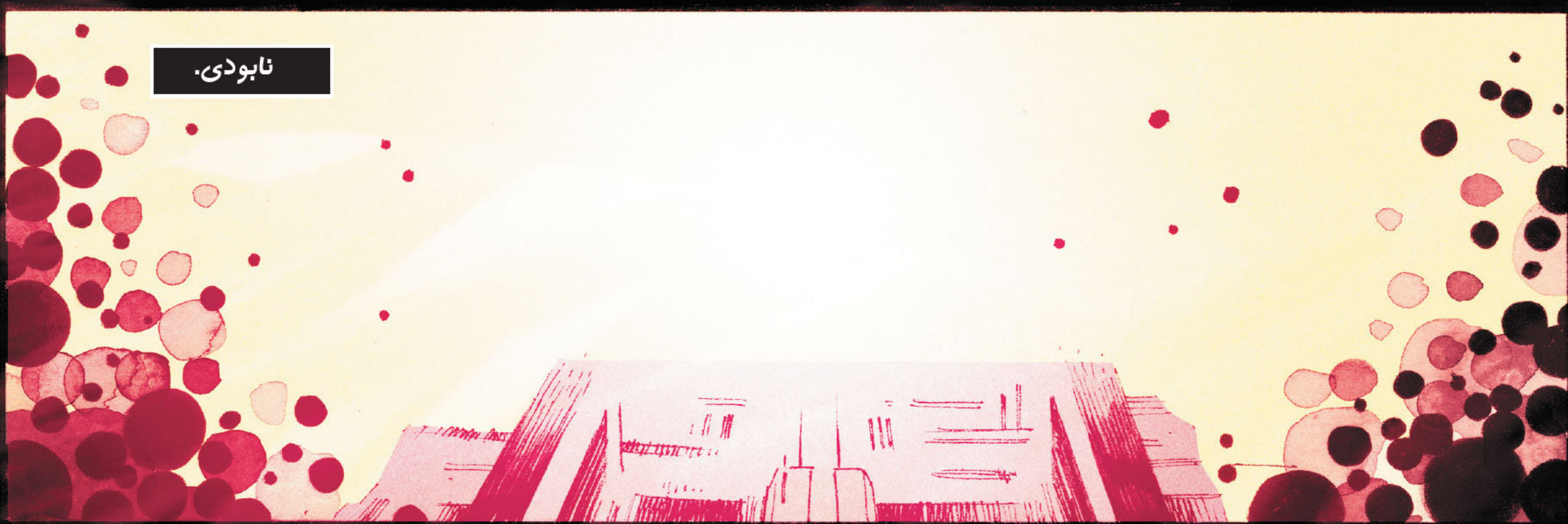


خشم.





نابودی.

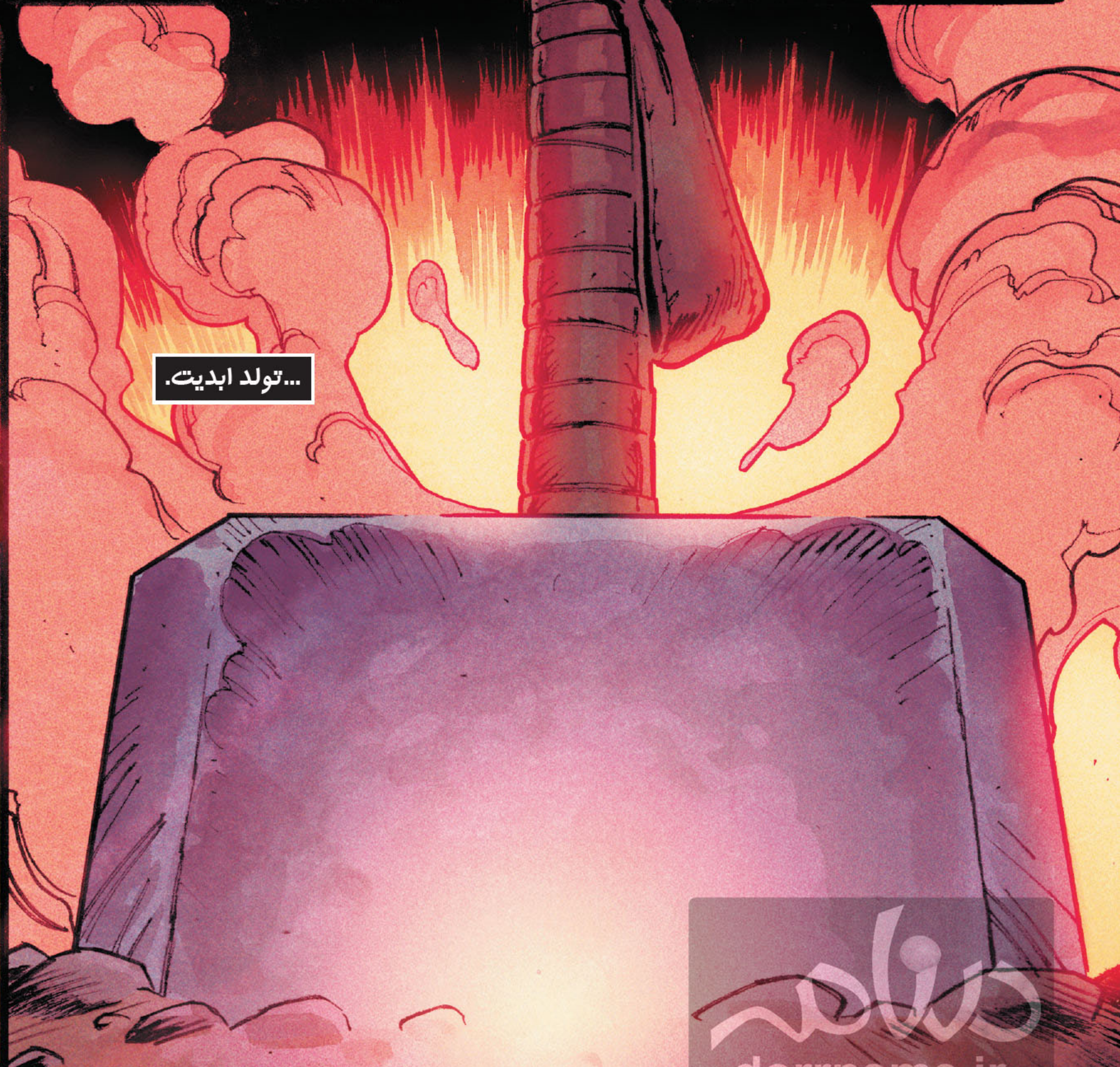


و بعد...

...از میان  
...خرابی...



...تولد ابدیت.





ولی در دنیای  
خدایان و تایتان ها...

...همانطور که  
همه می دانیم...

...حتی ابدیت  
هم همیشه  
نیست.

اخیراً در جریان جنگ  
قلمروها، ثور بزرگ، جین  
فاستر با منگوک  
توقف ناپذیر روبرو شدند.

جین آن هیولای  
سیاه را به سمت  
خورشید پرتاب کرد.

که در جریان آن  
میولنیر نابود شد.

ولی باری دیگر و از  
خشم تایتان ها...

...آتش  
بارید.

و اکنون...

...باری دیگر از  
این آتش...



...خشم  
زاده شد.





سیف.

یه نفر پتک  
منو دزدیده.

اونها رو  
به من  
نشون بده.

پادشاه  
من...  
چیزی...

...چیزی  
نمی بینم.

چطور؟

چطور  
ممکنه!؟



... که از چشم  
من هم پنهان مونده...  
و تونسته میولنیر رو  
بدزده...

ثور،  
با کمال احترام...  
کسی با این همه  
قدرت...

ثور... تو پادشاه هستی. تو  
به همین دلیل ارباب  
جنگ هستی...

و بیل هم  
برگشته. پس بذار کارش  
رو انجام بده. تو باید  
پادشاهی کنی.

کارهایی هست  
که باید شخصاً  
بهشون توجه کنی.  
کارهایی که تنها به  
پادشاه می ت...

یه کتاب  
هست. کتاب بزرگ  
پادشاهان. صفحاتش  
از نظر همه مخفی غیر  
از پادشاه به حق  
آزگارد.  
در صفحات  
اون کتاب در باره  
پدرم و پدر بزرگم مطالب  
نوشته شده. درباره  
تاینان هایی که این قلمرو  
رو شکل دادند و بقیه  
مسائل...

درباره طوفان  
بزرگ صحبت کرده.  
درباره چیزهایی که مشابهش  
رو نه دیدیم و نه شنیدیم.  
از جمله مسئله  
میولنیر.

که به دست  
موجودیه به نام  
ارباب پتنگ ها.

درباره  
پیشگویی هم  
مطالبی نوشته. و  
چیزهایی که قراره  
اتفاق بیفته.

روزها اون  
کتاب رو خوندم.  
بدون اینکه چیزی بخورم  
و بخوابم.

تو کتاب  
نوشته این موجود  
پادشاه طلایی آزگارد  
رو خواهد کشت.

"و روح او  
برای همیشه در دام  
آتش خواهد بود..."





اجازه نمی دم  
این کتاب بهم  
بگه چطور بمیرم.

ثور... من...  
نمی دونم

چطور باید  
بدونی؟



حالا، اگه حق  
با تو باشه و چیزهایی  
باشه که من باید بهشون  
رسیدگی کنم...

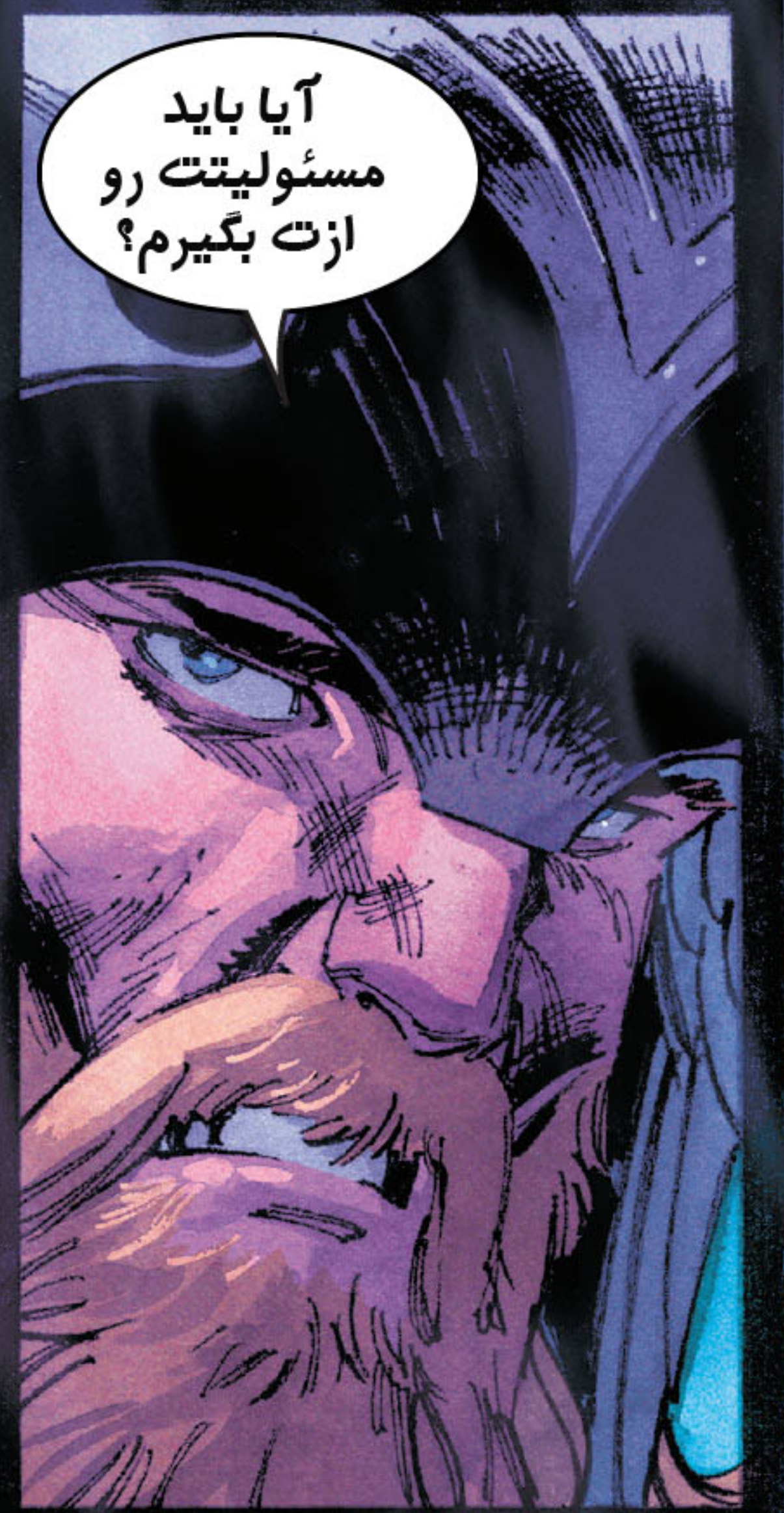
...باید  
برو و رسیدگی  
کن.

چون اگه  
چیزی رو که  
لازمه ببینم نتونی  
ببینی، بهتره ازش تو  
این کار استفاده  
بشه.



ثور...  
تو خودت نیستی.  
می دونم دزدیده شدن  
میولنیر...

سیف.



آیا باید  
مسئولیتت رو  
ازت بگیرم؟



نه...

پادشاه  
من.



بسیار  
خوب...



"...منو ببر پیش پیرمرد."

ترجمه زمینی برای دوره پیش از تو وجود نداره.

هیچ زبانی با خاستگاه اون به توافق نرسیده.

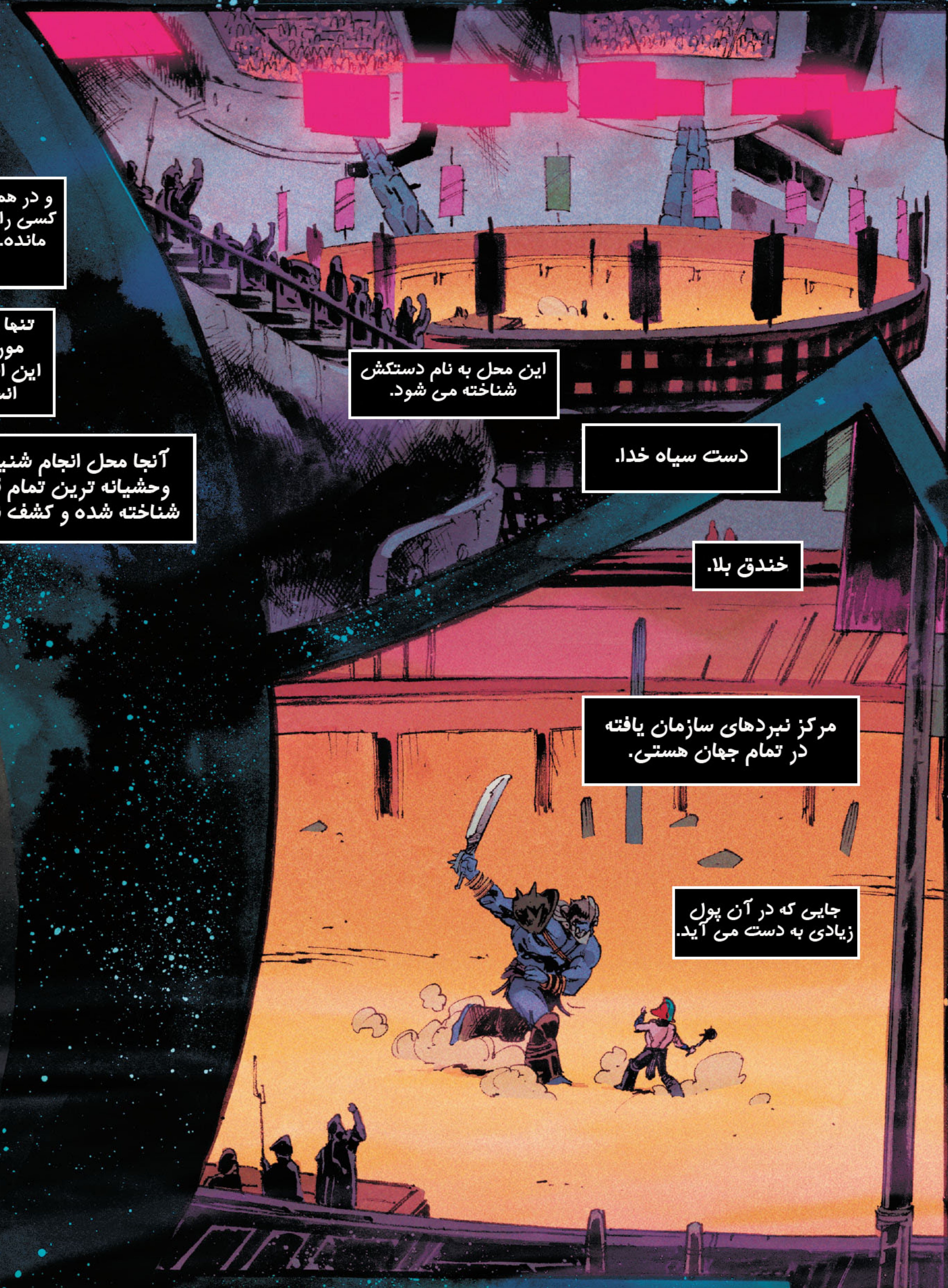
بعضی ها ادعا می کنند که بقایای یه تمدن که خیلی وقت پیش از بین رفته، تکه تکه شده و در اولین روزهای مبارزات خونبار نال در میان کپکشان ها پخش شده.

بعضی ها ادعا می کنند که یه موجود هوشمند بوده... که هنوز زنده است. که انگشتان عظیم او در میان پادهای سرد ورطه خمیده مانده.

و در همان حالت که سعی می کرده کسی را بگیرد که گریخته، گره خورده مانده. و برای گوش های مرده و ناشنوا می گریه.

تنها موضوعی که همه می توانند در موردش توافق نظر داشته باشند، این است که آنجا مکانی است که هیچ انسانی نباید از آن مطلع شود...

آنجا محل انجام شنیع ترین و وحشیانه ترین تمام قلمروهای شناخته شده و کشف نشده است.



این محل به نام دستکش شناخته می شود.

دست سیاه خدا.

خندق بلا.

مرکز نبردهای سازمان یافته در تمام جهان هستی.

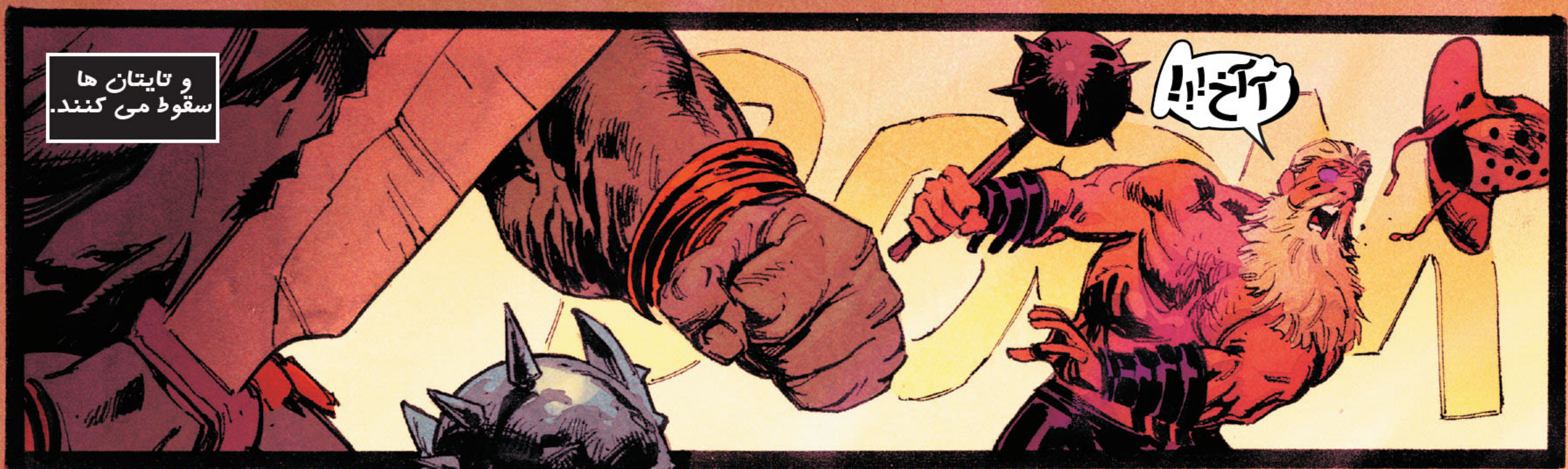
جایی که در آن پول زیادی به دست می آید.



قهرمانان متولد می شوند.

جنگجویان آزموده می شوند.





و تایتان ها  
سقوط می کنند.

این...  
همه قدرتت  
و حشیت؟!

چون  
اودین هنوز  
چیزی حس  
نکرده...



ساکت  
شو!!!

KRAK

آخ!

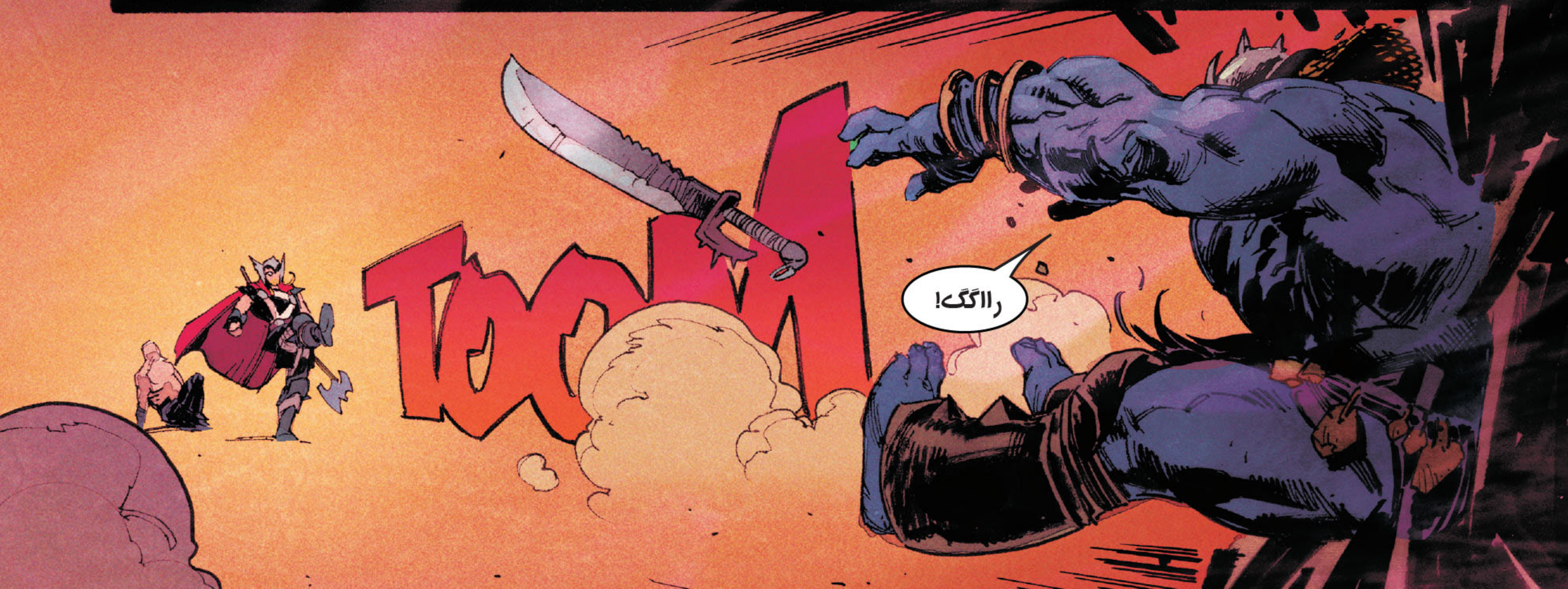


بمیر!



دورنمه  
dornname.ir









هوووو!!!

پنجاه تا  
ضرر کردم!

حقه بازها!!!



باید  
دلیلشو  
بپرسم؟

خواهر عوضیت  
منو اینجارها کرده!  
اون...

اوه،  
آنجلا.

آره، می شه  
باور کرد.



به کمکت  
نیاز دارم. میولنیر  
...

دزدیده  
شده. آره،  
می دونم. همه  
می دونند.

تو... پس حتماً  
تو برنامه ات بود که  
بیایی و کمکم کنی؟



تو کاملاً مشخص  
کردی رابطه مون  
چطور باید باشه  
پسر.

چرا باید...

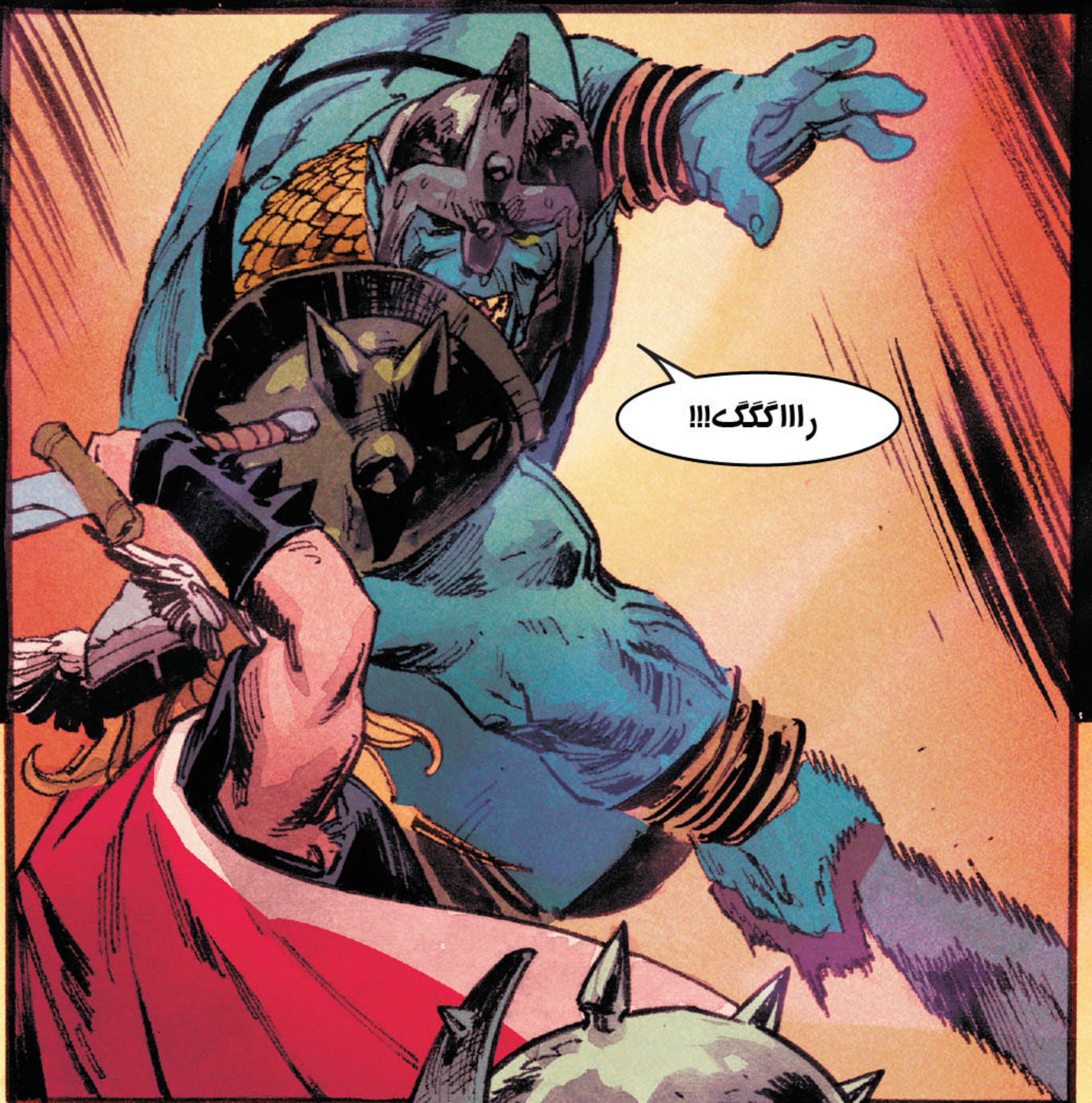
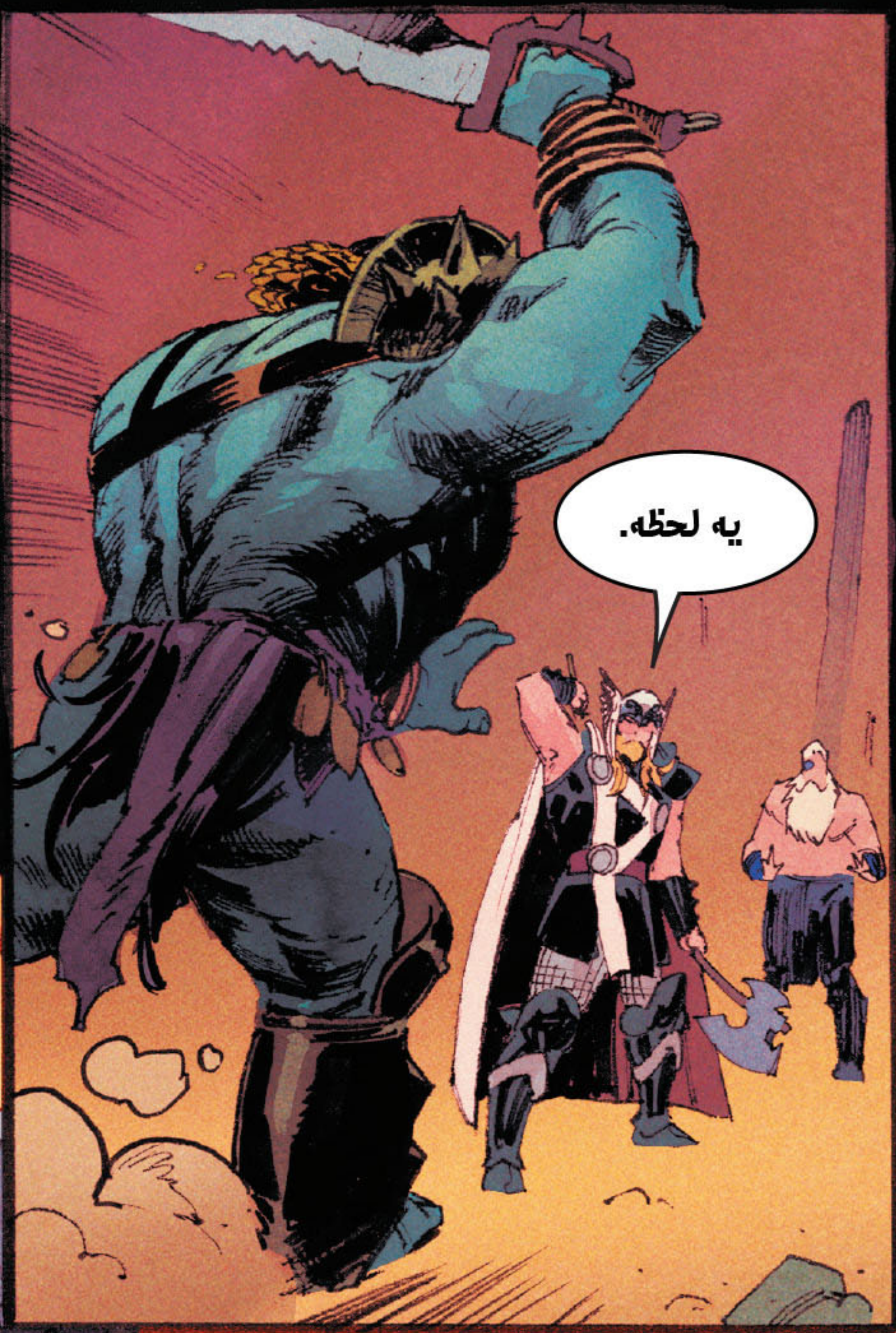
کمکت  
کنم؟



پهیی؟

راست  
می گی...







"...به من کمک  
می کنی؟"

نیداویلیر

نمی دونم  
چرا باید منو پیش  
کوتوله ها ببری.

من نیاز  
به سلاح جدید  
ندارم. من باید میولنیر  
رو پیدا کنم. قبل از  
اینکه دست آدم  
نابابی بیفته.

کوتوله های  
نیداویلیر می تونند  
رد ساخته هاشونو در میان  
ستاره ها هم  
بگیرند.

در هر کدوم  
از سلاح هایی که  
می سازند، بخشی از  
روح خودشونو  
قرار دادند.

اونو چون  
خودشونو سر  
کارشون می دن  
پسر.

پدر...

آره. اونو  
هم می بینند.

مسلح شو...





چون...  
توی آهنگری  
جنگ شده.



این جنگ نبوده. پدر.

به اون والرین نگاه کن. روی چنگالشون خونی نیست. هنوز جای خودشون هستند... ممکنه...

اونها صدها سال از این کوره مراقبت کردند... ولی...

در یک چشم به هم زدن کشته شدند.

راست می گی پسر... جنگ نبوده...



این...  
یه سلاخی  
بوده.



خدایا...

کوتوله ها...





...کو توله ها  
همه مردند.

و کوره...  
ویران شده... ولی...  
چطور؟ چطور...

پسر م...



...بمشون نگاه کن... به  
جسداشون نگاه کن... ببین  
چطور له شدند...

تو  
قرن هاست اونو  
داری... اگه کسی بدونه  
اون تو هستی...



باید  
به حرف  
بیاد؟

نه. دارم  
می بینم...



اونجا با یه  
پتک کشته شدند.

با میولنیر  
من.

ادامه دار!!!



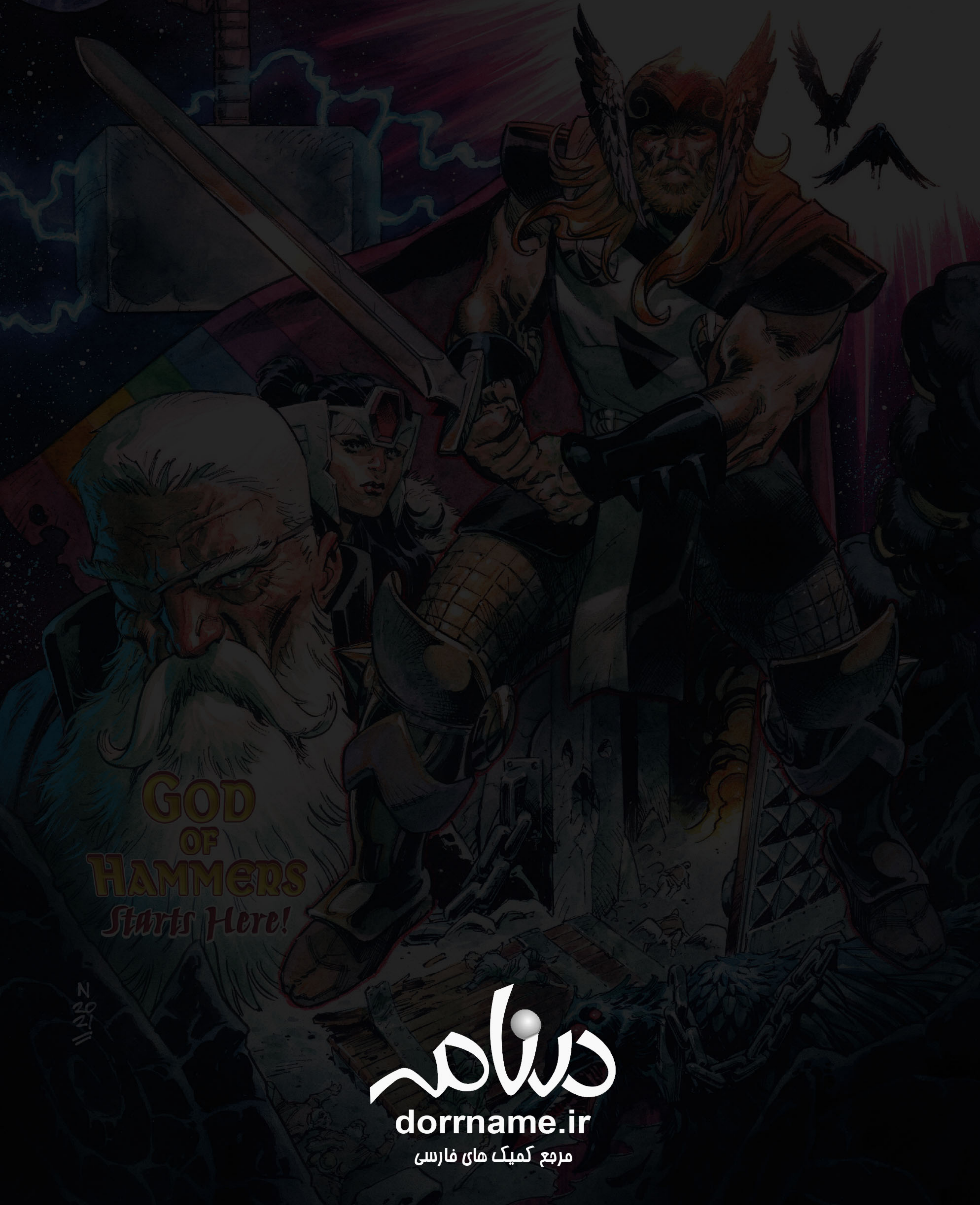
MARVEL

19

LGY#745

DONNY CATES  
NIC KLEIN  
MATT WILSON

# THOR



GOD  
OF  
HAMMERS  
*Starts Here!*

11/20/20

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی